

طوفانی در راه است...! (تهدیدها و چالش‌های کاهش جمعیت در ایران)



۲

عواقب سالمندی یک جامعه

کشور ما هنوز وارد مرحله سالمندی نشده است. از همین رو عواقب سالمندی برای بسیاری از مردم ملموس نیست؛ اما با دقت در پنج نتیجه ای که سالمندی هر جامعه در پی خواهد داشت، از همین امروز می توان آینده پرخطری را که در انتظار ماست، مشاهده کرد.

الف) هزینه نگهداری سالمندان

در جوامعی که خانواده ها به سمت تک فرزندی می روند، خانه سالمندان یک ضرورت می شود. وقتی که پدر و مادر به سنی می رسند که دیگر توانایی اداره خودشان را ندارند، نیازمند به شخص دیگری می شوند. اگر این پدر و مادر فرزند زیادی داشته باشند، به صورت طبیعی آنان از والدین خود به نوبت مراقبت می کنند؛ اما اگر آنها یک فرزند داشته باشند، مسئولیت نگه داری والدین به دوش همین یک فرزند می افتد. این فرزند اگر بخواهد بار نگه داری از والدین را بر دوش بکشد، باید از کار و فعالیت اقتصادی چشم پوشیده و بسیاری از کارهای دیگر خود را تعطیل کند. به صورت طبیعی بسیاری از فرزندان این کار را نمی کنند و یا بهتر است بگوییم که نمی توانند این کار را انجام دهند. در نتیجه دولت باید وارد عمل شده و از سالمندان نگه داری کند. اگر فرزندان هم بخواهند بار نگه داری از والدین را بر دوش بکشند، پیشرفت جامعه متوقف خواهد شد؛ زیرا با وجود وقت زیادی که نگه داری از یک سالمند می گیرد، نسل بعدی از فعالیت های اجتماعی و اقتصادی محروم خواهد شد. آیا تا به حال درباره هزینه های نگه داری از سالمند فکر کرده اید؟ برای اینکه بدانید این هزینه تا چه اندازه سنگین است با هم به یکی از کشورهای پیشرفته اروپایی سری می زنیم. سوئد در اروپا کشوری مثال زنی در زمینه پیشرفت است. سوئد با مساحت ۴۴۹/۹۶۴ کیلومتر مربع، سومین کشور بزرگ اروپا از نظر مساحت می باشد. جمعیت مقیم سوئد بیش از ۹/۲ میلیون نفر است که تقریباً ۷/۹ میلیون نفر آن را سوئدی ها تشکیل می دهند.

در حدود پانزده درصد سوئدی ها را مهاجران تشکیل می دهند. مهاجرت فراوان به سوئد موجب شده این کشور به کشوری چند ملیتی تبدیل شود. رشد جمعیتی سوئد

داربست بزر می شویم



در حدود نیم درصد است که دوسوم آن مدیون ورود مهاجران است. وقتی جمعیت کار کم باشد، باید زنان که مادران جامعه هستند مشغول کار شوند؛ از همین رو ۹۹ درصد زنان در سوئد تمام وقت کار می کنند. این در حالی است که حد متوسط زنان شاغل در اتحادیه اروپا ۵۶ درصد است.

در حال حاضر خود سوئدی ها به این نتیجه رسیده اند که باید به افزایش جمعیت فکر کنند. همزمان با مساله مهاجرت، تعداد زاد و ولد در این کشور با رشد فزاینده خود روبرو است.

نکته بسیار مهم درباره سوئد، آمار بالای جمعیتی سالمند در این کشور است که کارشناسان جمعیتی این کشور را نسبت به آینده نگران کرده است. "هزینه های مراقبت از سالمند در خانه های مراقبت های ویژه و خانه های عادی، توسط مالیات های شهرداری تامین می شود. هزینه های مراقبت از سالمندان در سال ۲۰۰۵ در سوئد بالغ بر ۸/۷۶ میلیارد دلار بوده است. بخش عمده این هزینه توسط مالیات های شهرداری ها و یارانه های دولتی تامین شده است. نکته جالب توجه این است که فقط ۴ درصد از این مبلغ توسط خود سالمندان پرداخت شده است. در سال ۲۰۲۰ نیاز به خدمات در سالمندان به سبب افزوده شدن به تعداد افراد بالای ۸۰ سال افزایش می یابد. به علاوه کسانی که در سال ۱۹۶۰ به دنیا آمده اند به سنین بازنشستگی می رسند که مفهوم آن این است که هزینه های پرداخت حقوق بازنشستگی افزایش می یابد. این در حالی است که نسبت شهروندانی که در مشاغل درآمدزا فعالیت می کنند در این سال ها کاهش می یابد. این افزایش سالمندان یک چالش بزرگ برای جامعه سوئد خواهد بود. این افزایش سالمندان بالای ۸۰ سال نیاز به خدمات بیشتری را ایجاد می کند و این در حالی خواهد بود که کسانی که هزینه های این خدمات را فراهم می کنند تعداد کمتری از افراد جامعه را نسبت به دریافت کنندگان خدمات تشکیل خواهند داد."

نشریه کپریز که، شماره ۱۲۸، ص ۱۷.

اگر نسبت هزینه های مراقبت از سالمندان سوئد را به بودجه کشور خودمان حساب کنیم، باید بگوییم با بودجه ۷۲۷ هزار میلیارد تومانی سال ۹۲ حدود یک بیست و هفتم بودجه مملکت را باید صرف مراقبت از سالمندان کنیم؛ البته فراموش نکنید که جمعیت سالمند ما در سال ۱۴۲۰ حدود ۲۰ میلیون نفر خواهد شد؛ یعنی بیش از ۲ برابر کل جمعیت فعلی سوئد. این نکته را هم از یاد نبریم که در سال ۱۴۸۰، جمعیت ایران به ۳۱ میلیون نفر خواهد رسید که نزدیک به نیمی از آن سالمند خواهد بود. حالا خودتان قضاوت کنید: چه آینده ای در انتظار جامعه ای است که به سوی تک فرزندی می رود؟

با کمی دقت در آماری که ارائه شد معلوم می شود، سالمندانی که آخرین سالهای عمر خود را باید در خانه سالمندان بگذرانند، پدر و مادرهایی هستند که در دهه شصت به بعد به دنیا آمده و پس از ازدواج هم بیش از یک یا دو فرزند نیاورده اند.

ب) کم شدن نیروی کار و در نتیجه کاهش تولید

نیروی کار در هر جامعه ای طبق تعریف استاندارد بین المللی، افرادی هستند که بین ۱۵ تا ۶۵ سال سن دارند. این افراد تولید ثروت کرده و افراد دیگر (زیر ۱۵ و بالای ۶۵ سال) مصرف می کنند. وقتی جامعه ای به مرحله سالمندی رسیده و متوسط سنی آن بالا می رود، به صورت طبیعی نیروی کار که تولیدکننده است کم شده و نیروی سالخورده و بازنشسته که مصرف کننده است زیاد می شود. در این صورت تناسبی بین تولید ثروت و مصرف آن نخواهد بود. یک بازنشسته کار خود را انجام داده و این نظام حکومتی است که پس از بازنشستگی باید به او خدمات بدهد. در همه نظام های اقتصادی، هزینه خدماتی که به بازنشسته داده می شود از ثروتی که نیروی کار تولید می کند



بدست می آید. مفهوم کم شدن نیروی کار آن است که عده کمی باید تولید ثروت کنند تا عده زیادی این ثروت را مصرف کنند. بصورت طبیعی معلوم است که چه اتفاقی برای این جامعه می افتد. کشور ژاپن به عنوان کشوری سالمند می تواند عبرت خوبی برای ما باشد:

"کشور ژاپن در هنگامه رشد شتابان جمعیت خود در سال ۱۹۶۵میلادی، در برابر هر ۹ نفر نیروی کار، یک سالمند داشت؛ اما در سال ۲۰۵۰ میلادی در برابر هر یک نفر نیروی کار یک نفر بازنشسته خواهدداشت و این بدان معناست که هر نفر کارمند باید هزینه یک سالمند را تامین کند؛ حال آنکه در گذشته این هزینه بر ۹ نفر تقسیم می شد. بهم خوردن این برابری سبب شد که دولت ها ناچار شوند بخشی مهم از درآمدهای خود را برای حمایت از سالمندان هزینه کنند؛ چنانکه ژاپن در سال ۲۰۱۲ میلادی، نزدیک به ۲۹ درصد از بودجه ۱/۱۲ تریلیون دلاری خود را برای حمایت از سالمندان و مستمری بگیران هزینه کرد."

تحولات جمعیتی ایران، ص ۱۴۸.

ج) مهاجرت

جامعه ای را فرض کنید که با وجود توان تولید نیروی کار کافی ندارد. در این جامعه، جمعیت مصرف کننده زیادتز از میزان تولید بوده و چاره ای جز وارد کردن نیروی کار ندارد. وقتی نیروی کار وارد جامعه ای شد، فرهنگ خود را هم وارد می کند. فرهنگ شهرهایی که مسافران زیادی به آن رفت و آمد دارند، تحت الشماع مسافرت ها قارار می گیرد. وقتی مسافرت، فرهنگ یک شهر را می تواند تحت تاثیر خود قرار دهد، بدون تردید مهاجرت تاثیر بسیار بیشتری روی این مسئله دارد؛ زیرا مسافران، حتی از نوع کاری، دو تفاوت ویژه با مهاجران کاری دارند. اول آنکه مسافر کاری زمان محدودی را در کشور موردنظرش اقامت می کند و معمولاً اقامت او در هتل هاست؛ نه در میان

مردم. دوم آنکه مسافر کاری معمولاً خانواده خود را به همراه نمی آورد؛ اما مهاجر کاری به جهت اقامت طولانی مدت، خانواده خود را نیز به همراه آورده و دیگر در هتل اقامت نمی کند؛ بلکه در همین کوچه خیابان های خودمان خانه ای را تهیه کرده و زندگی می کند.

د) ضعیف شدن نیروی دفاعی کشور

بدون تردید جمعیت جوان و همچنین زیاد بودن جمعیت، یکی از مولفه های اصلی قدرت می باشد. با پیشرفت هایی که در عرصه جنگ های مدرن شکل گرفته، برخی به اشتباه افتاده و گمان کرده اند امروزه برای حفظ اقتدار دفاعی نیازی به جمعیت نیست؛ اما این گمان اشتباه است. همین قدر بدانید که کشورهای مدعی جنگ مدرن، برای افزایش جمعیت خود به تکاپو افتاده اند؛ مثلاً رژیم صهیونیستی با اینکه مدرن ترین تسلیحات نظامی را در اختیار دارد، اما به شدت با کنترل جمعیت مخالف بوده و در این رژیم هر عائله یهودی، حداقل باید چهار فرزند داشته باشد.

جنگ جمعیتی، ص ۱۴.

ه) کاهش جمعیت جوان و نخبه کشور

بدون تردید نیروی جوان در پیشرفت علمی کشور نقشی اساسی ایفا می کند. بسیاری از جمعیت نخبه کشورها را جوانان تشکیل می دهند. هر اندازه جمعیت

به سمت سالمندی پیش می رود، به صورت طبیعی از طبقه جوان نخبه کاسته می شود. درست است که دانشمندان سالمند از سرمایه های بی بدیل هر جامعه ای محسوب می شوند، اما باید پذیرفت که نخبگان جوان از بازوان اصلی این دانشمندان هستند. بدون وجود نخبگان جوان، سلسله علمی جامعه دچار آسیب جدی شده و ممکن است حتی در جایی قطع شده و دیگر تداوم نیابد. برخی از کشورهای پیشرفته که با ازدواج این اندازه طلاق در این شهرها ثبت شده است، هر اندازه هم که فرهنگ شهرهای ما با هم تفاوت

برای درک جایگاه ویژه نخبگان جوان در پیشرفت کشور، کافی است بدانید متوسط سنی دانشمندان هسته ای ما در مراکز مهم هسته ای ۲۵ سال است. تهران: ۳۷، کرج: ۲۸/۸؛ شاهین شهر: ۲۹/۷؛ مشهد: ۱۸. مفهوم این اعداد آن است که به ازای هر صد ازدواج این اندازه طلاق در این شهرها ثبت شده است. کشورهای دیگر این خلاء بزرگ را پر می کنند. برای درک جایگاه ویژه نخبگان جوان در پیشرفت کشور، کافی است بدانید متوسط سنی دانشمندان هسته ای ما در مراکز مهم هسته ای ۲۵ سال است.

خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱/۱۲/۳۲

در صورتی که روند فعلی نرخ باروری (در حال حاضر ۱/۸ فرزند به ازای هر زن) کاهش یابد، در سال ۱۴۴۰ نرخ رشد جمعیت کشور به صفر می رسد و پس از آن نرخ رشد جمعیت منفی خواهد شد. از نظر جمعیت شناسان با توجه به روند کاهش نرخ باروری و افزایش سطح مرگ و میر، جمعیت کشور ما در آستانه تجربه دومین انتقال جمعیتی است. این بدین معنی است که شکل سنتی ساختمان سنی جمعیت تغییر می کند و قاعده های هرم سنی کوچکتر می شود و شکل تحذب و برآمدگی هرم سنی در سنین میانی و سالمندی تکمیل خواهد شد.

در چنین شرایطی رو به رو شدن با چالش هایی چون باروری زیر سطح جانشینی، کاهش جمعیت در سن کار، سالخوردگی، رشد منفی جمعیت دور از انتظار نخواهد بود. در پایان این میحث، این سؤال مطرح می شود کسانی که با نظریه مطرح شده آقای احمدی نژاد مخالفت نمی نمایند چه پاسخی برای چالش های جمعیتی، اقتصادی و سیاسی کاهش رشد جمعیت دارند.



موضوع ساختار سنی جمعیت و الگوی سکونت در گذشته و آینده از موضوعات مهم است. در مورد ساختار سنی باید گفت ساختار سنی در هر جامعه از چهار گروه کودکان، جوانان، میانسالان و سالخوردگان تشکیل می شود. درباره تغییرات الگوی سکونت در ایران نیز باید بگویم بر اساس آمارهای رسمی در سال ۱۳۳۵ حدود ۶/۸۶ درصد از جمعیت ایران ساکن روستاها بوده اما سال ۱۳۸۵ این عدد برعکس شده است و به ۳/۷۴ درصد می رسد. به گونه ای که ۶/۸۶ درصد از جمعیت کشور ساکن شهرها می باشد. بنابراین به جرات می توان ادعان کرد در الگوی سکونت و وضعیت ساختار سنی کشور

تغییرات اساسی ایجاد شده است. نکته قابل توجه درباره ساختار سنی جمعیت ایران این است که طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵ سهم اصلی جمعیت زیر ۱۵ سال کشور حدود ۴۰ درصد از کل جمعیت بوده است، اما از ۱۳۷۵ به بعد هرم سنی جمعیت کشور تغییرات اساسی کرده است، به گونه ای که نسبت کودکان یعنی افراد زیر ۱۵ سال به طور چشمگیری کاهش پیدا کرده و جمعیت جوان کشور یعنی جمعیت بین ۲۹–۱۵ سال بیشتر شده است. لازم به ذکر است اوج جوانی جمعیت ایران در سالهای ۹۰–۱۳۸۵ است و بعد از سال ۱۳۹۰ این حالت شروع به

تغییر می کند، یعنی کشور وارد مرحله میانیال خواهدشد.

آقای دکتر رسیدن به این حالت (مرحله) خطرناک است؟

دکترمشفق:

نمی توانم از تعبیر خطرناک استفاده کنم اما اگر اقدامات مقتضی در این باره صورت نگیرد ما در آینده با اتباشستگی نیازهای میانسالان و سالمندان مواجه می شویم که برنامه ریزی های پیش دستانه در این زمینه امری ضروری است. اگر گروه سنی میانسال را ۵۴–۳۰ سال در نظر بگیریم در سال ۱۳۹۵ ایران با بیشترین درصد جمعیتی مربوط به دوره میانسالی مواجه خواهد شد. بر اساس مطالعاتی که انجام دادیم در سال ۱۳۹۵ یعنی حدود ۴–۵ سال دیگر از ۷۰ میلیون نفر جمعیت کشور، ۳۰ درصد جمعیت بین ۵۴–۳۰ ساله و حدود ۱۰ درصد بالای ۵۵ سال خواهندبود.



داربست بزر می شویم

در هر حال بنده اگر بخواهم جمع بندی از بحث داشته باشم به چند چالش اساسی جامعه ایران در سالهای آتی با توجه به رشد کنونی جمعیتی کشور می پردازم:
۱– کاهش حجم کل جمعیت ملی
۲– بحران باروری و تجدید نسل
۳– بحران سالمندی جمعیت
۴– بحران کاهش نیروی انسانی در

سن کار

۵– افزایش مهاجرت های بین المللی و تغییرات هویتی و فرهنگی

این موارد مهمترین چالش های کاهش نرخ رشد جمعیت به شمار می روند. فکر می کنم این پنج چالش، بزرگترین تهدیدهای جمعیتی جامعه ایران در سالهای آتی است.

چالش های اقتصادی چه، آیا با چالش اقتصادی نیز مواجه می شویم؟

دکترمحمودی:

بدون شک دو چالش بزرگ اقتصادی گریبان اقتصاد ایران را در سالهای آتی خواهد گرفت:
۱– کاهش جمعیت در سن کار
۲– رکود اقتصادی و تشدید معضل بیکاری به علت کاهش تقاضای بازار این دو چالش خیلی جدی است و تهدیدی بزرگ برای اقتصاد ایران محسوب می شود.

دکترمشفق:

اگر اجازه بدهید بنده هم به یک چالش بسیار بزرگ دیگری با نام چالش های سیاسی کاهش نرخ رشد جمعیت اشاره کنم. یکی از چالش های اساسی جوامع مابعد انتقال جمعیتی کاهش توان نظامی و قدرت بازدارندگی جوامع است. بسیاری از سیاستمداران غربی به ویژه کشورهای کانادا، استرالیا، فرانسه و انگلستان کاهش جمعیتی و سالخوردگی را یکی از تهدیدات اصلی برای امنیت ملی شان قلمداد کرده اند.

مثلاً در سال ۱۳۹۰ سیاستمداران فرانسوی به این نتیجه رسیدند که به دلیل کاهش جمعیت شان، نیازمند احیای تسلیحات مدرن نظامی و در نتیجه کنار گذاشتن استفاده از تسلیحات خط ماکینوت(Maginot Line) هستند. پائول رینولد، وزیر دولت وقت فرانسه با تأکید بر این نکته که «تنها یک عامل وجود دارد که بر همه موارد مسلط است و آن عامل جمعیت است»، به بحث درباره بکارگیری تسلیحات مدرن پرداخت. این چنین موضوعاتی قبلاً هم از سوی رهبران وقت فرانسه ذکر شده است. در آمریکا تلاش شده تا چنین مسائلی پنهان بماند. عده ای از صاحب نظران آمریکایی بر این عقیده اند که غرب هم به لحاظ شرایط نظامی و هم اقتصادی می کند

گزیدهای از میزگرد بررسی ابعاد وعواقب اجرای ۲۰ساله سیاست های کنترل جمعیت وتنظیم خانواده در ایران

در حال «خودکشی تدریجی جمعیتی» (Demographic suicide) است. آیا جمعیت به خودی خود می اهرم کسب قدرت است یا نه؟



دکتر شافقی

جمعیت خود به خود یک اهرم کسب قدرت است. در یک کشور، اقلیت ها تمایل دارند جمعیت خود را افزایش دهند (یا به این مسئله وانمود کنند) تا قدرت چانه زنی شان و همچنین سهم آرایش شان در انتخابات مختلف برای گرفتن امتیازهای بیشتر از دولت مرکزی بیشتر شود. مسئله جمعیت به خصوص هنگامی که مناقشات منطقه ای وجود دارد، بیشتر حائز اهمیت می شود. مثلاً یکی از نقاط قوت مردم غزه در برابر دشمن اسرائیلی، رشد جمعیت زیاد آنهاست. این رشد جمعیت، هزینه دشمن را در تقابلات احتمالی نزد افکار عمومی دنیا بالا می برد و برعکس هزینه تلفات انسانی برای ایشان را کاهش می دهد.

مثال دیگر، رشد جمعیت مسلمانان در اروپاست. بعضی از اندیشمندان اروپایی این مسئله را تهدیدی برای آینده اروپا می دانند. همچنین، یک راه بلند مدت برای چرخش مناسبات بین المللی در بلند مدت به جهت مطلوب، افزایش جمعیت است. در جهانی که مکانیزم های دموکراتیک روز به روز اهمیت– حداقل ظاهری– بیشتری می گیرد، افزایش جمعیت می تواند کفه تصمیمات کلان بین المللی را به نفع تمن های صاحب جمعیت بیشتر تغییر دهد. یکی از مخالفت های اتحادیه اروپا برای پیوستن ترکیه به این اتحادیه تصاحب کرسی های زیاد این کشور در پارلمان اروپا در صورت تحقق این امر است. با توجه به این که رشد جمعیت ترکیه از رشد جمعیت متوسط بقیه کشورهای عضو اتحادیه اروپا بیشتر است، این مسئله در فاصله زمانی مثلاً ۳۰ ساله تشدید می شود و هویت مسیحی این قاره را کم رنگ تر

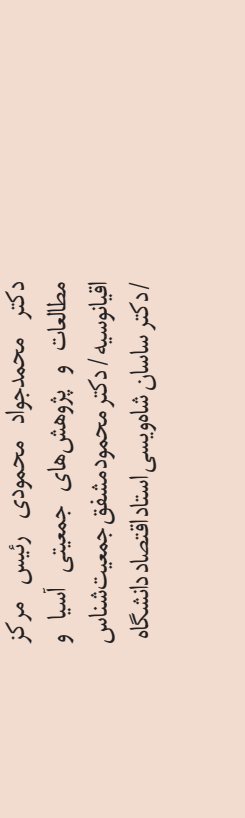
دکتر شافقی:



۴



داربست بزر می شویم



دکتر محمود محمدجواد محمودی رئیس مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و آفریقایسه دکتر محمود شافقی جمعیت شناس دکتر سلمان شامویری استاد اقتصاد دانشگاه